



روایت عملیات وعده صادق با یک تاکتیک ویژه

سردار محمد طهرانی‌مقدم برادر پدر موشکی ایران در خصوص عملیات قدرتمندانه اخیر ایران در خاک سرزمین‌های اشغالی معتقد است که تاکتیک ویژه و منحصر به فردی به‌کار گرفته شده و می‌گوید: «من این شجارت را به شما بدهم که ما در این عملیات یک تاکتیک ویژه‌ای را به‌کار بردیم. تمام سیستم ناتو، آمریکا، انگلیس و فرانسه پهپادها و موشک‌های ما را رهگیری کرد. با ۳ لایه هم که خود گنبد آهنین و فلاخن داوود دارد ما چگونه می‌توانستیم به آنجا رسوخ کنیم؟ همه دنیا می‌گفتند که اینها غیرقابل نفوذ هستند. ما ثابت کردیم این چیزی که بر آن تکیه کردند سست‌تر از این حرف‌هاست. ضعیف‌ترین و شکننده‌ترین خانه همین خانه عتکوت است.»

هلمشهری‌ی‌پاپ‌پدر

سرمقاله



محسن نامور
مداح و فعال رسانه‌ای

شب روشن طهرانی مقدم

«وقتی به کنسولگری ما حمله می‌کنند، مثل این است که به خاک ما حمله کرده‌اند؛ این عرف دنیاست. رژیم خبیث اشتباه کرد در این قضیه؛ باید تنبیه بشود و تنبیه خواهد شد.» این جملات بخشی از بیانات مقام معظم رهبری است که مقتدرانه مسیر درست را پیش رو قرار داد. ایران از حق دفاع مشروع خود استفاده کرد و در یک عملیات تاکتیکی و بی‌نظیر در جهان به سرزمین‌های اشغالی حمله کرد. درست‌دقایقی بعد از حمله پهپادی و موشکی ایران، شمار زیادی از کاربران فضای مجازی یاد شهید «حسن طهرانی‌مقدم»، فرامنده یگان موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را گرامی داشتند. فعالان شبکه‌های اجتماعی با درود بر روح پاک شهید طهرانی مقدم، جای او را در چنین ششی خالی دانستند. کسی که گفته بود: «روی قیرم بنویسید اینجامدفن است کسی که می‌خواست اسرائیل را نابود کند...»

جوانی که در روزهای انقلاب، همراه دوستانش نازنچک‌های دستی می‌ساخت و وقتی در جنگ بی‌رحمی‌های دشمن و دست خالی دفاع کشور را دید نتوانست آرام بگیرد. ۲۵ سال از عمرش را صرف تأسیس و توسعه بخش توپخانه، موشک و توان دفاعی کشور کرد. می‌گویند طهرانی مقدم باعث شد که سپاه در ۱۵ ماه اول عمر خود متوجه ضرورت تقویت صیغه نظامی شود. او بود که به‌عنوان یکی از نخستین افراد، نخستین جرقه‌های شکل‌گیری توپخانه سپاه را زد. با تلاش‌هایی که صورت گرفت او و هم‌راهانش توانستند سال ۱۳۵۸ با غنیمت‌هایی از ارتش بعث عراق توپخانه سپاه را تشکیل دهند و بعدها با استفاده از این توپخانه در لشکر امام حسین(ع) اصفهان مواضع دشمن یعنی را بمباران کنند. همین گروه بعدها و در سال ۱۳۶۱ واحد و یگان توپخانه سپاه را تشکیل دادند. البته که دشمن هم بیکار ننشست و برای توقف پیشرفت‌های ایران دست به هر کاری زدحتی شهادت او و همکارانش.

اما حالا در روزهایی که قدرت موشکی و پهپادی ایران، معادلات و پیش‌بینی‌های زیادی را بر هم زده، فعالان شبکه‌های اجتماعی یاد شهیدی را گرامی داشته‌اند که بالستیک‌های امروز را مدیون او و فاطمیون، حاج‌حسن می‌گفت پوست و استخوان ما باید با ذکر و یاد امام حسین(ع) شکل بگیرد. می‌گفت ما باید همیشه در هیئت هم مثل خرمشهر آزاد شویم؛ آن وقت حتماً باید یک نوح‌های شبیه آن بخوانند که می‌گفت: «محمد نبودی بیبنی شهر آزاد گشته... خون بارانت بر کمر گشته...»

و چه خوب نوشت آن کاربر که مقایسه‌ای بین طهرانی مقدم و آرش کمانگیر کرد؛ اینکه چگونه هر دو برای تعیین مرزهای ایران از جان خود گذشتند. او در این‌باره نوشت: «همیشه برآیم سؤال بود که آرش کمانگیر با اینداختن یک تیر مرزها را مشخص کرد. آرش افسانه نیست، آرش تویی امز ایران آنجاست که موشک‌های تو تعیین می‌کنند»

بله این شهید طهرانی مقدم بود که چنان مستمان را بر کرد که تا سال‌ها بتوانیم برای دفاع از کشورمان موشک شلیک کنیم. برای انتقام خون حاج‌قاسم و ابو مهدی، انتقام

شهید فخری زاده، انتقام شهید احمدی‌روشن، انتقام شهید طهرانی مقدم، انتقام شهید شهریار، انتقام شهادی مدافع حرم، انتقام شهادی غزه و انتقام کوچولوی کاپشن‌صورتی و گوشواره‌قلبی...



باسکن این‌کد این گفت‌وگورا مشاهده کنید

حاج‌حسن آقا می‌گفت من موشک بسیجی تولید می‌کنم که گنبد آهنین گنج شود. با یک تکنولوژی خیلی خاصی این موارد را پیش‌بینی کرده بود. ما پهپادها را در حمله فرستادیم و سیستم ناتو و گنبد آهنین درگیر آن شدند و وقتی درگیر آن بودند موشک‌های ما رسیدند. موشک‌های ما مافوق صوت است و دقیقاً بیش از ۱۵ موشک به مرکز فرماندهی آنها اصابت کرد. تمام خیرگزار‌ی‌ها و تبلیغات دنیا دست صهیونیست‌هاست و جوسازی کردند و نگاه‌داشتند که خبری منتشر شود ولی از آنجایی که این ژنک لب‌المرصاد (خداوند در کمین ستمکاران است) همه افتشا شد که چنین آسیبی دیدند. این به‌خاطر نیت خالص حاج‌حسن و شهادی دیگری است که می‌خواستند اسرائیل را نابود کنند...»

پای صحبت‌های سردار محمد طهرانی مقدم، برادر شهید

با مهندسی معکوس و دست خالی به این اقتدار رسیدیم



الناز عباسیان
دبیر صمیمه یادگاری

سردار محمد طهرانی مقدم که در دوران دفاع مقدس مسئول قراگاره رمضان در سلیمانیه و کرکوک بوده تا پایان جنگ هماهنگی فعالیت‌های معارضین عراقی در برابر رژیم بعثی را انجام می‌داده است. چند سال در تیم حفاظت رهبر انقلاب فعالیت می‌کند و دوره‌ای هم معاون اطلاعات نیروی مقاومت بسیج در دوران فرماندهی سردار افشار می‌شود. در دهه ۸۰ بیشتر به برادرش در زمینه ساخت موشک‌های بالستیک و توان دفاعی کشور کمک می‌کند. او در حال حاضر رئیس هیأت مدیره مؤسسه خیر به شهادی غدیر است. با طهرانی مقدم درباره شخصیت مردی که او را پدر موشکی ایران می‌خوانند گفت‌وگو کردیم.

در همین ابتدا از روزهای نوجوانی و همنشینی با برادر نان حاج حسن بر ایمان بگویند.

حاج حسن خیلی علاقه به ورزش و فوتبال داشت. حسن مثل همه مردم در قبل از انقلاب مدرسه می‌رفت و فوتبال بازی می‌کرد. وقتی من خادم مسجد شدم و بچه‌ها به مسجد آمدند شرایط ما متفاوت شد. خاطر م هست یک‌بار آیت‌الله لوائسانی، امام جماعت مسجد گفت برو به برادر ت حسن بگو به نماز جماعت بیاید. من رفتم حسن را از زمین بازی فوتبال آوردم و حاج آقا گفت حسن جای تو در نماز جماعت خالی است. دو برادر شهیدم علی و حاج‌حسن در مسجد رشد پیدا کردند. ما در ایام محرم مرتب می‌رفتم هیئت بنی فاطمه و فاطمیون. حاج‌حسن می‌گفت پوست و استخوان ما باید با ذکر و یاد امام حسین(ع) شکل بگیرد. می‌گفت ما باید همیشه در هیئت باشیم. شهید برورج‌دی همسایه ما بود و برای اقدامات انقلابی یک گروهی را تشکیل داده بود. در زمان انقلاب حاج‌حسن ۱۷ سال داشت و همان موقع نازنچک دست‌ساز می‌ساخت. نازنچک‌های حاج‌حسن را ما به مناطق دیگر هم می‌فرستادیم و در زمان انقلاب این نازنچک‌های دست‌ساز بسیار مؤثر بود.

پس از نوجوانی علاقه زیادی به ساخت نازنچک داشت؟

بله، خاطر م هست ۲۰ بهمن ۱۳۵۷ حکومت‌نظامی بود. حاج‌حسن با همین نازنچک‌های دستی کار را جلو برد. رفتم میدان ژاله. آنجا تسلیحات شاه بود و یک دیوار خیلی بلندی داشت. نازنچک‌ها را جلوی دیوار منفرج کرد و دیوار فرور یخت. مردم ریختند و تسلیحات را گرفتند و بردند. حاج‌حسن این سلاح‌ها را برد میدان امام حسین و زمانی که تانک‌های شاه رسیدند با نازنچک‌های دست‌ساز جلوی تانک‌ها را گرفت. در کل می‌توانم بگویم که با آنکه جوان پرتائری و فعالی بود و حتی تیپ و لباس پوشیدنش هم مثل جوان‌های آن دوره بود اما روحیه انقلابی و عشق به امام حسین(ع) همیشه در وجودش می‌جوشید، تا جایی که به گفته خودش عشق به امام حسین(ع) ناجی زندگی‌اش شد و همین حسینی‌ه که در آن هستم را براساس خوابی که دیده بود بنا کرد.



چه حالبا این حسینی‌ه را خود شهید بنا کرده؟

خاطره

پاسخ شهید طهرانی مقدم به ژنرال روسی چه بود؟

سردار محمد طهرانی مقدم به بیان خاطره‌ای از سفر برادرش به روسیه می‌پردازد و می‌گوید: «زمانی که حاج‌حسن برای تهیه یکسری موشک به روسیه رفته بود، ژنرال روسی خطاب به او گفته بود مثل شما مثل تشنه در بیابان است، بنابراین ما شرایط برای دادن موشک را تعیین می‌کنیم. او در جواب گفته بود همچنان که زیر بار ذلت غرب نرفتم زیر بار تحمیل شرق نیز نخواهیم رفت. خودمان موشک می‌سازیم و فرهادها شما می‌آیند و از ما موشک خریداری می‌کنید.»

سردار محمده که خود از جانبازان شیمیایی سال‌های دفاع مقدس است در ادامه روایتی از پیشرفت‌های موشکی ایران می‌گوید: «یکبار

موقع افتتاح حسینی‌ه دیگر خودش نبود!

دور تادور این حسینی‌ه که خانه پدری شهید هم محسوب می‌شود تصاویر دیدار رهبری از اینجاست. از این دیدار بر ایمان بگویند.

حدود ۴ سال پیش مقام معظم رهبری شنیدند که مادر م کسالت دارند، بدون اطلاع قبلی برای عیادت از مادر م تشریف آوردند. خیلی خوشحال شدیم. این عکس هم که می‌بینید از حضور مقام معظم رهبری است. همین که وارد شدند اول چشمشان به عکس علی افتاد. فرمودند که ظهر عاشورا در اوایل جنگ بود که من و شهید چمران وارد سوسنگرد شدیم. نخستین شهید مدافع سوسنگرد علی شما بود! خیلی برای ما جالب بود که آقا فرمودند بیکر علی شما را من جمع کردم. این اتفاق برای ۴۰ سال پیش است و آقا خاطرشان مانده است. برادر کوچک ما علی ظهر عاشورا در ۱۸ سالگی به شهادت رسید.

برگردیم به سال‌های اول جنگ، چطور مسیر تجهیز تسلیحات نظامی برای ایران به همت شهید طهرانی مقدم هموار شد؟

پر بر شدن مردم ایران زیر بمباران موشکی و حملات بعثی‌ها، حاج‌حسن را ترتیب کرد در پاسخ به این کشتار مردم و حمله به توأمیس، سیستم دفاعی کشور را مجهز کند. گفتند باید یک توپخانه مجهز و سیستم موشکی جنگی داشته باشیم. خیلی‌ها به او خندیدند و گفتند توپت کوف؟ آموزشت کوف؟ امکانات کوف؟ حسن آقا آن زمان ۲۰ سال داشت و خیلی لاغر اندام و نحیف بود. ایشان با اقتدار ایستاد و سمت دشمن را نشان داد و گفت توپخانه ما آن طرف هستند. اتفاقاً هفته بعد طی عملیاتی یک گردان توپخانه سالم را به غنیمت گرفتیم. این شد پایه توپخانه سپاه. حاج‌حسن همیشه دور را می‌دید. در زمان جنگ ما مشکل سیم خاردار داشتیم و کشورهای خارجی به ما سیم خاردار نمی‌دادند. حاج‌حسن گفت ما می‌توانیم باید بتوانیم.

ساخت تجهیزات نظامی به تخصص و آموزش نیاز دارد. آموزش‌ها به چه صورت بود؟

قبل از انقلاب تعدادی از بچه‌های انقلابی برای مبارزه با رژیم ستم‌شاهی به فلسطین، لیبی و کشورهای مختلف می‌رفتند. از آن زمان ارتباط ما با لیبی و قذافی برقرار بود. تعداد محدودی موشک سفینه‌النجات، جای من را در بهشت مشخص کردند که کی و چگونه شهید می‌شوم. گویا در این خواب اسراری را به حاج‌حسن گفته بودند. دست من را گرفت و گفت محمد با تو کار دارم. ما از طبقه بالا که خدمت مادر بودیم به پایین آمدیم. یک زیرزمین و آب‌انباری آنجا بود که حاج‌حسن گفت اینجا باید تبدیل به حسینی‌ه و اقامه عزای آقا اباعبدالله(ع) شود. مهندس بود و خودش طراحی کرد و هزینه‌هایش را هم داد. یادم است که حقوقش راتازه گرفته بود و یک‌سری پاداش هم گرفته بود. همه را نقدی داد و ما زیر زمین را حسینی‌ه کردیم.

این اقتدار موشکی که امروز داریم از یک مهندسی معکوس وبدون آموزش‌های آکادمیک شروع شد؟

دقیقاً آن زمان آقای رفیق دوست وزیر سپاه بود و هماهنگ کرده بود که از لیبی موشک وارد شود. او به حاج‌حسن گفت به یک شرط یک موشک را برای مهندسی معکوس می‌دهم و آن اینکه اگر شهید شدی مرا شفاعت کنی. حاج‌حسن همان زمان به حاج‌محسن قول داد. ما موشک را بار کردیم و گفتیم نهایت ۲۰۰ قطعه داخل آن است و خودمان می‌سازیم. دیدیم بالای سه‌هزار قطعه در ساخت آن به کار گرفته شده. حاج‌حسن گفت مشکلی ندارد ما می‌توانیم. معتقد بود که نباید به خارجی‌ها متکی باشیم. به دست خالی در زمان تحریم جنگ با وجود مشکلات اقتصادی ایستاد و موفق شد این موشک را تولید کند. ما در زمان جنگ توانستیم بهترین موشک را تولید کنیم که بهتر از موشک‌های صدام بود و علیه حملات بعثی‌ها استفاده کردیم.

بعد از جنگ چطور؟

حاج‌حسن آینده را می‌دید و می‌گفت دشمنان ما که تمام نشده‌اند. ما باید آماده باشیم. شعارش همیشه این آیه قرآن بود که و أعداؤا لکم ما استعظمتن من قوه. (در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید). به‌عبارتی یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آنگاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن داشته



حاج‌حسن مشغول تست اولیه یک موشک بود که موشک در داخل خودش منفجر شد و پوسته آن به یکی از کوه‌های اطراف محل آزمایش اصابت کرد که وقتی به طرف آن رفتم و پوسته را برداشتیم دیدیم روی دوده‌های پوسته موشک کلمه حیدر حک شده بود. همان شب حسن در خواب می‌بیند که یک مرد نورانی از او علت ناراحتی‌اش را می‌پرسد و حسن نیز انفجار موشک را تعریف می‌کند. این مرد در جواب، مکان اتصالی را می‌گوید. وقتی حسن نام این مرد را می‌پرسد در جواب اسم حیدر را می‌شنود. فردای آن روز حسن برای بازیابی موشک منفجر شده به محل می‌رود و متوجه می‌شود همان محلی که آن مرد گفته است دچار اتصالی شده بود.»

روایت

خاطره علیرضا زاکانی، شهردار تهران از شهید طهرانی مقدم

توسل به امام رضاء

برای ساخت یک موشک



پدر موشکی ایران
چسته و پارسی بی ادعا
مقدم
چرا

شهردار تهران خاطره‌ای از شهید طهرانی مقدم نقل می‌کند که خواندنی است: روزی با همم از نماز جماعت بر می‌گشیم و از هر دری صحبت می‌کردیم؛ به ناگاه ایشان از سفر خویش به روسیه به اتفاق هیاتی برای خرید یکی از سیستم‌های موشکی دقیق روسی که سامانه‌ای با برد ۳۰۰ کیلومتر و ضرب اطمینان بالا بود، سخن گفت. این موشک می‌توانست با کمترین اختلاف و انحرافی به هدف خود برخورد کند و فناوری تنها در انحصار روسیه قرار داشت. مذاکرات برای خرید این موشک به سرانجام نرسید چرا که آنها این سامانه را جزو سلاح‌های استراتژیک و مبنایی خود می‌دانستند و به‌دلیل حساسیت ویژه‌ای که روس‌ها داشتند، از دادن موشک سر باز زدند.

این شهید عزیز نقل می‌کرد که من به ژنرال‌های روسی با اطمینان گفتم که ما می‌توانیم به این فناوری دست پیدا کنیم و همانند این موشک را بسازیم و البته پوز‌خندی به‌عنوان پاسخ بر لبان ژنرال‌های روسی نقش بست. او می‌گفت در برگشت از سفر روسیه تمام هم و غم من این شد که نمونه این موشک روسی را بسازم اما دانم در مسیر انجام تست‌های موشک اخلاص به‌وجود می‌آمد. این شهید عزیز در حرم حضرت امام رضاع) به این مشکل به خدا توکل کردم و به ائمه اطهار(ع) متوسل شدم؛ به مشهد مقدس رفتم و ۳ روز در حرم حضرت امام رضاع) به ایشان توسل کرده و راجع به اختلال پیش آمده فکر کردم.

شهید طهرانی نقل می‌کرد که بعد از ۳ روز در حرم حضرت رضاع) یک دفعه موضوعی به ذهنش رسید که احساس می‌کرد راه‌حل این مشکل است. طرحی در ذهنش جرقه زد که تعبیر ایشان درباره آن ساده و زیبا بود؛ او می‌گفت زیارت خودم را تکمیل کردم و سریع بر گشتم منزل. دفترچه نقاشی خترم را گرفتم و آنچه را که در ذهنم بود ترسیم کردم. بعد از بازگشت از مشهد این طرح را مدل‌سازی کردیم و به لطف خدا جواب هم گرفتیم و مشکل حل شد.

در یک زمان دیگر شهید طهرانی مقدم نتایج کاری را که انجام شده بود روی رایانه به من نشان داد، واقعا غرور آفرین بود؛ موشک ساخته‌شده توسط جهاد خودکفای سپاه در مقایسه با مدل روسی آن در بعضی ویژگی‌ها برتر هم بود. لذا ایشان اهل توکل به خدا بود و در عبور از موانع و رسیدن به اهداف خود به ائمه معصومین(ع) متوسل می‌شد. این میانجی‌هاست که ملت ایران را در راه رسیدن به اهداف بالایی خود موفق می‌کند و جز در سایه وحدت نمی‌توانیم به این اهداف برسیم.

